

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b>اوف خرابکار</b>
<span></span>
جلد اول مجموعه «اوف خرابکار» نوشته «میشائیل پترووتس» با ترجمه کتابون سلطانی به‌نازگی در قالب مجموعه کتاب‌های فندق، از سوی نشر افق منتشر شده‌است. در جلد اول و آشنایی با اوف، مخاطب با شخصیت اصلی داستان‌ها یعنی پسر بچه‌ای مدرسه‌ای به‌اسم لیو آشنا می‌شود که یک اوف، یعنی همان پشمالوی شصت‌وشش‌میلیون‌ساله جلوی‌ش سبز می‌شود و لیو او را به خانه می‌برد؛ البته یواشکی. اما پنهان کردن دوست جدید لیو اصلا کار راحتی نیست، چون اوف خرابکار توی آشپزخانه آتش روشن می‌کند، بشقاب‌های چینی را می‌خورد و روی در و دیوار نقاشی می‌کند. مشکل بعدی هم این است که پس از بابا و مامان لیو، یک دانشمند بدجنس هم از حضور اوف در اتاق لیو باخبر شده است. کتاب اول مجموعه «اوف خرابکار»، «اوف خرابکار جیغ همه را درمی‌آورد!» در برگیرنده ۲۹ فصل است. کتاب دوم مجموعه هم با عنوان «اوف خرابکار به سفر می‌رود» است که در آن، خانواده لیوو می‌خواهند برای تعطیلات تابستان به ایتالیا مسافرت کنند. اما یک‌مشکل دارند. آن‌هم این است که بابا مجبور است خیلی یواش و لاک‌پشتی رانندگی کند تا اوف بالا نیاورد. وقتی هم به هتل رسیدند باید این موجود پشمالوی شصت‌وشش‌میلیون‌ساله را از دید مسافران و صاحبان هتل مخفی کنند. اما لیو به‌سختی می‌تواند این کار را بکند، چون او باید بلا بشقاب‌هایی را که اوف گازشان زده قايم کند و بعد هم باید استخر هتل را از موهایی اوف تخلیه کند. نشر افق هر یک از جلدهای این کتاب را به بهای ۹۵ هزار تومان منتشر کرده‌است.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b>رمان نوجوان</b>
<b>دره‌هایی در تاریکی</b>
<span></span>
کتاب «دره‌هایی در تاریکی» نوشته «دیو اگرز» را بزمان طهرانیان به فارسی برگزادده و به‌نازگی از سوی نشر نو منتشر شده‌است.در برابر زشتی‌ها و پلیدی‌های دنیا چه باید کرد؟ آدم به‌خودش می‌گوید کاشکی انجمنی سسری و زیرزمینی در کار باشد یا ابرقهرمان‌هایی که جلوی پیشروی شر را بگیرند. بچه‌های مبتکر دره‌هایی در تاریکی چنین کارهایی می‌کنند.بی‌آنکه ابرقهرمان باشند آنها آدم‌های عادی هستند و سلاح‌شان هم ابزار و وسایل دم دست. دیو اگرز، نویسنده آمریکایی این رمان پر خنده، خوب می‌داند که درون و بیرون بچه‌ها چه می‌گذرد. او با مهارت تمام داستان نوجوانانسی را تعریف می‌کند که شهرشان را نجات می‌دهند و بی‌عرضگی‌های آدنیزبزرگهارا جبران می‌کنند.دیو اگرز، زاده ۱۲ مارس ۱۹۷۰، نویسنده ویراستار است. اگرز در بوستون به دنیا آمد و پس از سپری کردن تحصیلات اولیه، برای تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری به دانشگاه ایلینوی رفت؛ اما مرگ والدینش او را از ادامه تحصیل در این رشته بازداشت.اگرز در ابتدا طراحی‌های گرافیکی روزنامه‌ای محلی را انجام می‌داد و پس از گذشت چند سال، امتیاز روزنامه‌ای محلی به‌نام کاپس را از آن خود کرد و آن را به یک مجله طنز تغییر داد. نشر نو این رمان ۳۵۲صفحه‌ای را به بهای ۱۴۰ هزار تومان منتشر کرده‌است.

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b>اسب و سگ و کره آتشین</b>
<span></span>
«اسب و سگ» با ترجمه غلامرضا امامی و «کره‌اسب آتشین» با ترجمه محمد قاضی؛ ۲ عنوان از مجموعه «نویسنندگان بزرگ برای خوانندگان کوچک» است که به نازگی از سوی انتشارات گویا وارد بازار کتاب کودک نوشته‌های ولتر نویسنده و فیلسوف قرن هجدهم فرانسه است. ولتر از نامدارترین فیلسوفان و نویسندگان فرانسوی عصر روشنگری است. وی در تمام سبک‌های ادبی و نوشتاری از جمله نمایشنامه، شعر، رمان، مقاله و نوست‌های تاریخی و علمی دست داشت. کتاب اسب و سگ بر مبنای یک داستان قدیمی ایرانی و براساس اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان نوشته شده و با نقاشی‌های الهام گرفته شده از مینیاتورهای ایرانی مصور شده است. این داستان موجب شد که در قرن ۱۷ در اروپا بر مبنای این قصه رشتنمای به نام serendipity (کشف معلومات از مجهولات) شکل بگیرد. کراسپ آتشین هم نوشته‌شاعر بزرگ روس، ولادیمیر مایاکوفسکی است که داستان زیبایی برای کودکان نوشته و با قلم زنده‌یاد محمد قاضی ترجمه شده‌است. این اثر نشان می‌دهد چگونه آرزوهای یک کودک برای داستان یک اسب چوبی شکل می‌گیرد و همه صنعتگران از نقاش و آهنگر و نجار دست به‌دست هم می‌دهند و این اسب را فراهم می‌کنند. «اسب و سگ» به بهای ۲۸ هزار تومان و «کره اسب آتشین» به بهای ۳۰ هزار تومان در تیراژ ۰۰ شصتخه از سوی انتشارات گویا منتشر شده‌اند.

## فرهنگ



# کسری، دکستر نیست…

مجموعه «خون سرد» از آثار شبکه نمایش خانگی شباهت‌هایی به سریال خارجی معروف «دکستر» دارد

<b>گزارش</b>	<b>جواد موسوی</b>
--------------	-------------------

امیر حسین ترابی، فارغ‌التحصیل کارشناسی کارگردانی سسینما و فوق‌لیسانس پژوهش هنر، تعداد زیادی تیزرز تبلیغاتی، تله‌فیلم، فیلم کوتاه و برنامه و سریال برای تلویزیون ساخته که ششاید معروف‌ترین آن سری اول «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» باشد. ترابی فیلم‌قابل‌احترام «هزار تو» را نیز در کارنامه دارد که با استقبال مردم و منتقدان مواجه شد. حالا این کارگردان – بدون اینکه اشاره‌ای در تیزتراز «خون سرد» شود – با برداشتی از مجموعه «دکستر»، نخستین مجموعه نما‌یش خانگی خود را ساخته است.البته در ادامه مطلب متوجه خواهیم شد که شباهت‌های زیادی بین دو مجموعه وجود دارد که برخی به دلایل شرعی و قانونی در مجموعه خون سرد تغییر کرده‌اند و برخی از تغییرها به سلیقه گروه نویسندگان و کارگردان این مجموعه بر می‌آید.

**شباهت با دکستر**

ابتدا به شباهت‌های کسری کیا، دکتر پزشکی قانونی و دکستر مورگان، کارشناس خون پلیس میامی بپردازیم. هر دو آنها قاتل‌های سریالی هستند. هر دو با اینکه پلیس نیستند، با‌اداره پلیس در ارتباط هستند. هر دو به‌دنبال از بین بردن آدم‌های فاسدسی هستند که قانون، با توجه به محدودیت‌هایش، توانایی محاکمه آنها را ندارد. هر دو سوزه‌های مدنظرشان را بی‌هوش می‌کنند، می‌زدند و در مکانی که از قبل آماده کرده‌اند، پس از تفهیم اتهام، به قتل می‌رسانند. هر دو حداقل یک مورد قتل اشتباه انجام می‌دهند، یعنی سوزه مورد نظر مر تکب جنایت‌مدنظر آنها نشده که در خون سرد می‌توان به قتل همسر سابق نیلوفر اشاره کرد. هر دو هم حداقل یک قتل را به‌خاطر لونیرفتن خود انجام می‌دهند که در خون سرد می‌توان به قتل همکار دکتر کیا اشاره کرد. هر دو نا‌پدری زندگی کرده‌اند و مادرشان را از دست داده‌اند. هر دو خواهری دارند که رابطه صمیمانه و نزدیکی با آنها دارند و همیشه در حال حمایت از آنها هستند.البته هر دو خواهر از مشکلات روحی و روانی رنج می‌برند. اما درباره تفاوت‌های کسری و دکستر؛ برخلاف دکستر که بابت حضور در اداره پلیس سوزه‌هایش را انتخاب می‌کند که معمولا قاتل‌های سریالی هستند، کسری در بیشتر مواقع از طریق اطرافیان و شغل همسرش به‌عنوان وکیل – که بیشتر و کالت زن‌های آسیب‌دیده در اجتماع را بر عهده می‌گیرد – سوزه‌هایش را شناسایی می‌کند. به دلایل شرعی موجود در کشور، سوزه مدنظر کسری نمی‌تواند زن باشد. شاید یکی از دلایلی که گروه نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که کسری فقط مردان زن‌آزار و متجاوز را به قتل برساند، همین باشد. برخلاف دکستر که سوزه‌هایش را در مکان‌های مختلف به قتل می‌رساند، کسری در کارخانه متروک پدرش آنها را از پای درمی‌آورد. برخلاف دکستر که لباس‌های سوزه‌ها را از تن درمی‌آورد، کسری رودوشامبر نا‌پدری‌اش را بر تن آنها می‌کند. برخلاف دکستر که چند قطره از خون مقتولان را از شیو می‌کند، کسری عکسی از آنها – با تأکید بر اینکه حتماً لیخنذ بزنند – می‌گیرد و معمولا ساعت یا انگشتری از آنها را نگه می‌دارد. دکستر سوزه‌هایش را با آمپول بی‌هوش می‌کند اما کسری فرمول ثابتی ندارد. برخلاف دکستر که سوزه‌هایش



را پس از قتل، نگه‌تکه کرده و به اقیانوس می‌اندازد، کسری ابتدا آنها را در معدنی متروک به خاک می‌سپارد و بعد از کشف اجساد، مقتولان بعدی را به‌وسيله اسیداز بین می‌برد. دکستر عکس‌هایی از مقتولان سوزه‌اش را به او نشان می‌دهد که در مورد کسری چنین نیست. در زندگی دکستر زن‌های زیادی وجود دارند و با یکی از آنها ازدواج می‌کند و یک‌به‌قتل می‌رسد اما کسری همسر دارد و مرد وفاداری است. خواهر ناتنی دکستر پلیس است و در بسیاری از ایام با او زندگی می‌کند اما خواهر کسری همسر و زندگی مستقلی دارد. مادر دکستر به طرز وحشیانه‌ای در مقابل چشم دکستر کشته شده و این قتل وحشیانه، نیاز به کشتن فرد دیگر را برای او به‌وجود آورده اما مادر کسری – ظاهرًا – از این انتخاب بدتر، انتخاب مرتضی‌علی‌آبادی در نقش جهانگیر (ناپدری کسری) است. با اینکه اتفاقاً حجم این نقش کم است اما جهانگیر نقش بسیار مهمی در طول مجموعه دارد که جا داشت بازیرگ مقدر و حرفه‌ای‌تری ایفاگر او می‌بود. در مورد بازیرگان نقش‌های مقتول دکتر هم با اینکه بیشتر شان نقش‌های کوتاهی دارند، جا داشت از بازیرگان تواناتری – که حداقل در تئاتر ایران فراوان هستند – استفاده می‌شد.البته برای ۲–۳تفر از آنها از بازیرگان حرفه‌ای استفاده شده‌است.

**یک تفاوت مهم**

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌هایین دکستر و کسری این است که دکستر برادری دارد که از وجود او اطلاعی نداشته؛ برادری که خود تبدیل به قاتل زنجیره‌ای – معروف به قاتل لنگر‌گاه – شده و دکستر به‌خاطر محافظت از خواهرش مجبور به قتل او می‌شود. وجود این برادر قاتل نشان می‌دهد که هر دو برادر تشنه به قتل و خونریزی هستند که این نیاز در دکستر – توسط پدر خوانده‌اش – کنترل شده و به قتل افراد ناشایست جامعه منجر می‌شود. کسری اما برادری ندارد. دکستر هیچ‌گاه تغییر قیافه نمی‌دهد فقط با نام جعلی به سراغ سوزه‌هایش می‌رود اما کسری بارها چهره خود را تغییر می‌دهد، خود را به لنگی می‌زند، خود را اپینا جلوه می‌دهد، لهجه می‌گیرد و حتی زن‌پوش می‌شود. البته باز می‌توان این شباهت‌ها و تفاوت‌ها را ادامه داد که به همین مقدر – البته مفصل – بسنده می‌کنم.

امیر آقایی پیش از این در «بدون تاریخ، بدون امضا» نقش دکتر پزشکی قانونی را بازی کرده است اما نحوه بازی او و دقت در جزئیات رفتار و گفتار دکتر کسری کیا به‌نحوی است که لااقل نگارنده را هیج‌گاه یاد آن فیلم نمی‌اندازد. به‌خوبی نقش را از آن خود کرده و بازی یک‌دست و درخوری ایفا کرده است. او در این نقش در عین حال هم مرد خانواده است، هم پزشکی کار بلد، هم قاتلی بی‌رحم و هم فردی خیر و دست‌گیر نماندگان. نکته‌ای که در مورد این شخصیت وجود دارد و به بازی آقایی بازمی‌گردد، این است که در صحنه‌ای خواهر کسری (سارا) شناسنامه مادرش را پیدا می‌کند که کسری را متولد ۱۳۶۰ نشان می‌دهد. گذشته از اینکه آقایی متولد ۱۳۵۴ است و تفاوت زیادی با این سن ندارد اما ویژگی رفتار و گفتار، فن بیان، ریش سفید و سر تراشیده او، کسری را بسیار بیش از ۴۰سال نشان می‌دهد که با یک تمهید ساده می‌شود این نشان ندادن شناسنامه مادر، ضمن ایجاد تعلیق برای بیننده که سسارا در شناسنامه چه دیده، این نقیصه را نیز برطرف کرد. اما انتخاب سسارا به‌عنوان کارآموز در دفتر همسر کسری مشغول به‌کار است و نشان می‌دهد علاقیتی نسبت به کسری دارد و همین امر حساسیت همسر کسری را برمی‌انگیزد. اینکه بازیگری ۴۰ساله برای این نقش مناسب نیست، به جای خود، انتخاب یکی از ستارگان سینمای ایران برای بازی در نقش رعا خیلی زود دست‌کارگردان را رو می‌کند که با شخصیتی عادی طرف نیستیم و می‌توان پیش‌بینی کرد تعقیب و عکس گرفتن از دکتر

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
<b>یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها بین دکستر و کسری این است که دکستر برادری دارد که از وجود او اطلاعی نداشته؛ برادری که خود تبدیل به قاتل زنجیره‌ای- معروف به قاتل لنگر-گاه - شده و دکستر به‌خاطر محافظت از خواهرش مجبور به قتل او می‌شود. وجود این برادر قاتل نشان می‌دهد که هر دو برادر تشنه به قتل و خونریزی هستند که این نیاز در دکستر - توسط پدر خوانده‌اش - کنترل شده و به قتل افراد ناشایست جامعه منجر می‌شود. کسری اما برادری ندارد</b>

کیا هنگام انتقال سوزه‌هایش به محل قتل یا دفن‌شان کار اوست. سارا،رسول‌زاده که پیش از این در مجموعه‌های پرده‌نشین، نجلا (فصل اول) و عاشقانه بازی کرده که نقش‌های متفاوتی از هم هستند، در این مجموعه هم ایفاگر نقش متفاوتی در کارنامه خودش است که تا حد زیادی از پس کار برآمده. بیشتر بازیرگان اصلی هم انتخاب‌های مناسبی هستند و در نقش خود جا افتاده‌اند، به‌خصوص شهرام حقیقت‌دوست در نقش سرگرد امیرعلی طلوعی اما انتخاب مهدی محرابی، در نقش دستیار سرگرد با توجه به حجم نقش، انتخاب مناسبی طلوعی اما انتخاب مهدی محرابی، در نقش دستیار سرگرد با توجه به حجم نقش، انتخاب مناسبی نیست و بازیرگ‌ش هم بازی دکستر به‌خصوص از این انتخاب بدتر، انتخاب مرتضی‌علی‌آبادی در نقش جهانگیر (ناپدری کسری) است. با اینکه اتفاقاً حجم این نقش کم است اما جهانگیر نقش بسیار مهمی در طول مجموعه دارد که جا داشت بازیرگ مقدر و حرفه‌ای‌تری ایفاگر او می‌بود. در مورد بازیرگان نقش‌های مقتول دکتر هم با اینکه بیشتر شان نقش‌های کوتاهی دارند، جا داشت از بازیرگان تواناتری – که حداقل در تئاتر ایران فراوان هستند – استفاده می‌شد.البته برای ۲–۳تفر از آنها از بازیرگان حرفه‌ای استفاده شده‌است.

**نقص‌های فیلمنامه**

کمتر در مجموعه‌ها و فیلم‌های میان‌گروه نویسندگان داریم و خوشبختانه این مجموعه از این ویژگی بر خوردار است اما اشکالات زیادی در دل مجموعه وجود دارد که از دید آنها و کارگردان پنهان مانده است. مثلاً اعتماد رئیس کارخانه‌ای که به افراد زندانی کار می‌دهد، به کسری، بسیار عجیب است. اینکه فقط یک چاقو همراه خود دارد، برای رفتن به مکانی مترو که با فردی که تابه‌حال ندیده کافی است؟ یا در درگیری مسلحانه سرگرد طلوعی، برای اینکه هوش و حواس جمعی او به



کمتر در مجموعه‌ها و فیلم‌های میان‌گروه نویسندگان داریم و خوشبختانه این مجموعه از این ویژگی بر خوردار است اما اشکالات زیادی در دل مجموعه وجود دارد که از دید آنها و کارگردان پنهان مانده است. مثلاً اعتماد رئیس کارخانه‌ای که به افراد زندانی کار می‌دهد، به کسری، بسیار عجیب است. اینکه فقط یک چاقو همراه خود دارد، برای رفتن به مکانی مترو که با فردی که تابه‌حال ندیده کافی است؟ یا در درگیری مسلحانه سرگرد طلوعی، برای اینکه هوش و حواس جمعی او به

ببینده‌القا شود، سرگرد به فرد مسلح می‌گوید که گلوله‌هایش تمام شده! آیا فردی که ۲ اسلحه همراه خود دارد، نمی‌تواند یک خشاب اضافه هم داشته باشد؟ شک سرگرد طلوعی به دکتر کیا هم جا نمی‌افتد و با توجه به دوستی دیرینه‌شان منطقی به‌نظر نمی‌رسد. نکته دیگر اینکه ماجراهای این مجموعه – جز فلاش‌بک‌ها – در سال ۱۴۰۰ اتفاق می‌افتد که کرونا هنوز بسببای می‌کشد اما در هیچ‌جایی از مجموعه اثری از کرونا نمی‌بینیم. از همه عجیب‌تر وقتی است که خبر نگاران زن (نابینیی) وقتی بی‌بسه هویت نفوذی آگاهی (فرسیدی) می‌برد، با این استدلال که نمی‌خواهد همکاران خود را به کشتن متوجه گفت‌وگوی آنها شوند و بهتر است به جای خلوتی بروند، از خیابان وحدت اسلامی – تقریباً در جنوب تهران – به باغی در شهریار – در خارج از شهر – می‌روند! لااقل اگر این موضوع خواسته فرسید بود، جای توجیه داشت اما مگر در تهران پارک، کافی‌شاپ یا جای خلوت دیگری پیدا نمی‌شد؟ نویسندگان و کارگردان این تمهید را اندیشیده‌اند که فقط خبرنگار به‌راحتی کشته شود و قاتل دیده نشود! پس چرا در نیم‌ساعت پس از کشف جسد، به‌راحتی هویت قاتل مشخص می‌شود؟ قاتل حداقل نمی‌توانست گوشی خبرنگار را از زیر بیند تا با نخستین تماس سرگرد – هم‌زمانی تماس با گذر باغبانی از مکان قتل هم عجیب است – جنازه کشف نشود؟ یا جایی که سرگرد طلوعی، کسری را به دختر خود فرامی‌خواند که دستیار سرگرد سر می‌رسد و خبر دل‌پیداشدن قاتل زنان خیابانی می‌دهد. او می‌گوید قاتل بیشتر مقتولان را با خودروی سبزرنگی در سمت غرب تهران سوار می‌کرده و… سرگرد صحبت خود با کسری را نیمه‌تمام می‌گذارد که به سراغ تلفی بروند. کسری نیز بلافاصله تصمیم می‌گیرد به سراغ قاتل برود، بنابراین در صحنه بعد او را زن‌پوش می‌بینیم که به‌دنبال قاتل است. وقتی خودروی موصوف جلوی او ترمز می‌کند، کسری سوار خودرو می‌شود و در نهایت قتلی دیگر… نکته اینجاست که کسری باید گرم می‌کرده و لباس خود را عوض می‌کرده که قاعدتاً به مخفیگاه خود رفته و برگشته اما اینکه او زودتر از پلیس به قاتل دسترسی پیدا کرده، غیرقابل‌باور به‌نظر می‌رسد. یاخانم‌دکتر پزشکی قانونی با مقایسه‌فهرست‌رورد و خروج کسری و گزارش ساعت ارائه کالبدشکافی قتل‌های سریالی اما ملطمن می‌شود که قتل‌ها کار کسری است. این تعجب‌برانگیز نیست؟ خانم‌دکتر که قصد دارد این موضوع را به سرگرد اطلاع دهد، با حضور ناگهانی کسری در اتومبیلش مواجه می‌شود و با تهدید او – که در ظاهر سلاح سرد یا گرمی همراهش نیست – تصمیم می‌گیرد خودش و دکتر را سر به‌نیست کند! کسری هم که بدون دستکش در خودرو حضور دارد، پس از کوبیدن چندتاره سر خانم‌دکتر به شیشه خودرو و ظاهر آب‌ها او، بدون اینکه اثر انگشت خودش را پاک کند، محل را ترک می‌کند!

یکی از دلایلی که مجموعه‌های خارجی با یک خالق و چند کارگردان ساخته می‌شوند این است که گاف‌ها و اشتباه‌ها به کمترین حد خود برسد و در عین حال کارگردانی مجموعه یک‌دست باشد؛ موضوعی که در مجموعه‌سازی ماجنافتهاده است. با وجود این اگر بدون مقایسه یا تماشای مجموعه دکستر این مجموعه را ببینیم، در مجموع با اثر پلیسی/ جنایی جذاب و خوش ساختی طرف هستیم که ریتم خوبی دارد و تماشاگر را سرگرم می‌کند.

**یادداشت**

«صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد»

به چاپ بیستم رسید

### تجزیه یک امپراتوری

بسیستمین چاپ کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد»؛ فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری خاورمیانه معاصر» نوشته دیوید فرامکین و ترجمه حسن افشار در ۶۱۴ صفحه و بهای ۲۳۵ هزار تومان توسط نشر ماهی منتشر شد. چاپ نخست این کتاب زمستان سال ۹۵ با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و بهای ۵۰ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفت. فرامکین حقوقدان و مورخی است که به‌صورت تخصصی در حوزه خاورمیانه فعالیت دارد و در دانشگاه روابط بین‌الملل تدریس می‌کند. او برای این کتاب نامزد جایزه‌های National Book Critics Circle و همچنین پولیتزر شد. کتاب در زبان اصلی به سسال ۱۹۸۹ منتشر شده است. فرامکین در این اثر به شرح و تحلیل رویدادهایی که منجر به تجزیه امپراتوری عثمانی در هنگامه جنگ جهانی اول شد، می‌پردازد و در نتیجه همین تجزیه بود که تغییرات وسیع در خاورمیانه ایجاد شد. فرامکین معتقد است این تغییرات به جنگ جهانی جدیدی منجر شد که همچنان ادامه دارد. نویسنده در این کتاب تنها به نقش فروپاشی امپراتوری عثمانی در خاورمیانه نمی‌پردازد، بلکه تأثیر این دگرگونی در خود اروپا را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

نویسنده گاه خواننده را با خود به دل بیابان‌های شبه‌جزیره عربستان می‌برد و با ماجراجویی‌های لارنس همگام می‌کند و گاه از اختلافات و مناقشات دولتمردان اروپایی در پایتخت‌هایشان پرده برمی‌دارد. می‌توان تاریخی را که این کتاب بدان پرداخته سفر پیدایش قرن بیستم و خاورمیانه‌امروزه دانست. به‌عبارتی تمام مصیبت‌های خاورمیانه در عصر جدید پس از تجزیه امپراتوری عثمانی رخ داده است. فرامکین با اذعان به اینکه منطقه امروزی در غرب آسیا محصول متفقین در جنگ جهانی اول و پس از آن است، تلاش می‌کند از مسیر تحقیق و پژوهش و جست‌وجو در بایگانی‌ها، به چرایی و چگونگی واکنش‌های ایمن تصمیم‌بیر بسپرد و مخاطب را با خود از پستوی تاریخ عبور دهد. به روند تصمیم‌گیری‌هایی می‌پردازد و از دوران بکه تازی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۲ میلادی پرده برمی‌دارد. زمانی که دور هم نشستند و روی اراضی مسلمان باقی‌مانده از امپراتوری عثمانی تقسیم‌غنایم کردند و هر یک منطقه‌ای در دندان کشیدند و مرزهای امروز را در غرب آسیا پدید می‌آوردند؛ به تعبیر خود نویسنده کتاب «عراق واردن را انگلیسی‌ها اختراع کردند. حدود عربستان و کویت و عراق را یک کارمند دولت انگلیس در سال ۱۹۲۲ تعیین کرد و مرزهای میان مسلمانان و مسیحیان را فرانسه بین سوریه و لبنان و روسیه بین ارمنستان و آذربایجان شوروی کشید.» و این میان، فلسطین به‌عنوان قصه برغمه‌ی قرن، سهم انگلیس شد؛ برغمه‌ی که البته سیاستمداران انگلیسی پیش از آن قولش را به یک جنبش سیاسی نژادپرست یهود داده بودند. کتاب با تبیین شرح وقایع منجر به تجزیه امپراتوری عثمانی در خلال جنگ جهانی اول تلاش می‌کند خواننده را از دل تاریخ عبور داده و به‌خصوص به مسئله فلسطین می‌پردازد. نشان می‌دهد که چگونه چرچیل که همیشه به امال یهودیان و آزاری که دیده بودند با دلسوزی می‌نگریسته اما چون از مخالفت اعراب فلسطینی با صهیونیسم خبر داشت، معتقد بود که اگر برنامه‌ای بتواند استقامت اولیه را با ایشان غلبه خواهد کرد. کتاب درخصوص مسئله فلسطین با دقت و ریزبینی، خط و ربط سیاست‌های سیاستمداران غرب و به‌خصوص انگلیسی را پیگیری کرده و نشان می‌دهد، قیومیستی که به امانت به انگلیس واگذار شده و قرار بود بعد از یک دوره گذار، حاکمیت منطقه فلسطین را به بومیان آن سرزمین واگذار کند چگونه با سیاست‌های متعدد، صهیونیسم سیاسی را زیر چتر حمایت مستقیم و غیرمستقیم خود آورد و در نهایت هم با تکه‌تکه کردن خاک و زمین و حریم دیگران، کنسوری جعلی روی سرزمین‌های اسلامی بنا کرد. غده‌ای که تا امروز دول چرکین اشغال را بر بیکره منطقه تحمیل کرده است.

«صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد» از سوی بسیاری از منتقدان تحسین شده است. ریچارد هولبروک نوشته‌است: «هیچ سیاست‌مداری بدون دانستن پیشینه منطقه خاورمیانه نمی‌تواند آن را به‌درستی بشناسد و از میان کتاب‌های زیادی که در مورد این منطقه نوشته شده‌است، هیچ کدام به پای حماسه تأثیر گذار فرامکین، نمی‌رسد.» ویلیام راجر لوئیس در مرور کتابی که برای نیویورک تایمز نوشت، کتاب فرامکین را عالی خواند. کتاب ۱۲ بخش و ۶۱ فصل دارد. عناوین و سرفصل‌های بخشی کتاب به ترتیب از این قرار است: «در چهارراه تاریخ»، «کیچنر: نگاه به آینده»، «بریتانیا در باتلاق خاورمیانه»، «براندازی»، «متفقین در حوضی اقبال»، «دنباهای تازه و ارض‌های موعود»، «حمله به خاورمیانه»، «غنایم جنگی»، «چون آب‌ها از آسیاب افتاد…» «توفان بر فراز آسیا»، «بازگشت روسیه به خاورمیانه» و «توافق ۱۹۲۲ خاورمیانه». این کتاب همچنین با عنوان «صلح کردند که جنگ بماند: چگونگی فروپاشی امپراتوری عثمانی و برآمدن خاورمیانه جدید» در ۲ مجلد به قلم داوود حیدری و مفید علیزاده نیز منتشر شده است. ناشر این ترجمه انتشارات دنیای اقتصاد است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

این کتاب در میان کتاب‌های تاریخی منبعی معتبر به شمر می‌رود که در چند سال اخیر حساسی در میان خوانندگان با‌جا باز کرده است. انتشار چنین منابعی می‌تواند برای علاقه‌مندان به تاریخ بسیار راهگشا باشد. تجدید چاپ‌های متعدد این کتاب بازگو‌کننده اهمیت آن است.

## همه‌شهری